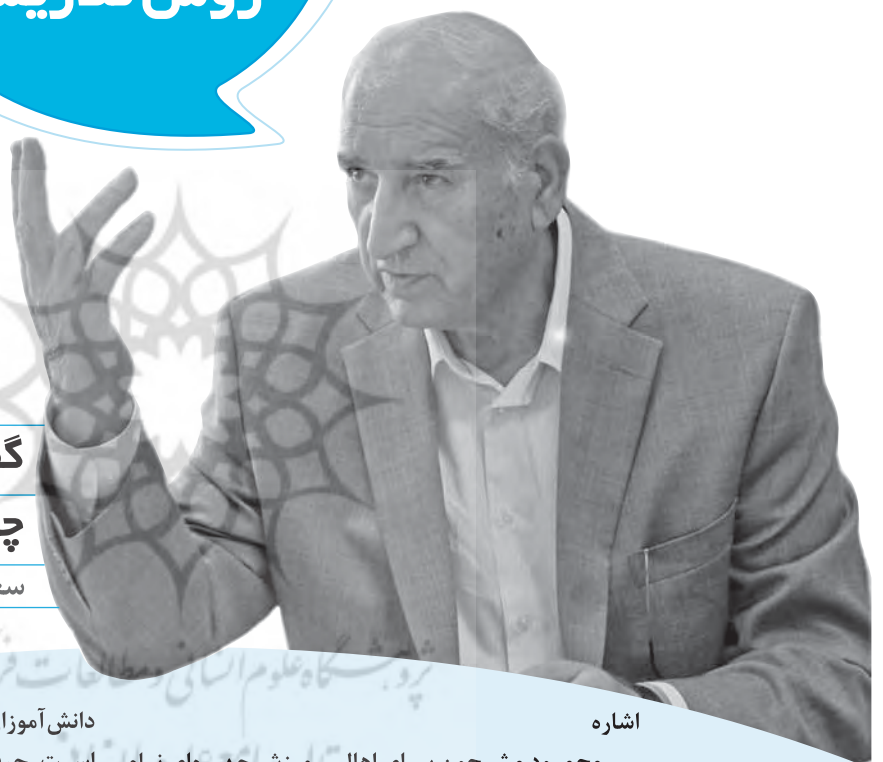


زنگ ورزش هم کتاب می‌خواهد و هم وحدت رویه و روش تدریس



گفت‌وگو با محمود مشحون چهره نام آشنای ورزش

سعيد زاهدیان



اشاره

دانش آموزان بوده و در راه معلمی مو سپید کرده و با تجربه است، حرف‌های خوب و جالبی برای گفتن دارد. مشحون به قدری در این گفت‌وگو به حال و هوای دوران مدرسه باز می‌گردد که در میان صحبت‌هایش گاهی اشک در چشمانش حلقه می‌زند. رییس فدراسیون بسکتبال که در دانشگاه هم در رشته تربیت بدنی تحصیل کرده، معتقد است: «ورزش کشوری در دنیا موفق می‌شود که مدارس قدرتمندی دارد. این معلمان ورزش هستند که قهرمانان ورزشی هر کشوری را می‌سازند و با تلاش آنهاست که پرچم ایران در میدان‌های بین‌المللی برافراشته می‌شود.

گفت‌وگوی ما با او دارای چند جنبه است. گاهی خطاب به مدیران صحبت می‌کند و گاهی روی سخنان با همکاران و دوستان معلمش است. گاهی راهکار ارائه می‌دهد و گاه گلایه می‌کند اما شیرین‌ترین بخش از حرف‌های او به خاطراتش باز می‌گردد. خواندن صحبت‌های

محمود مشحون برای اهالی ورزش چهره‌ای نام آشناست: در یک عبارت کوتاه می‌توانیم از او با عنوان «رییس موفق فدراسیون بسکتبال ایران» نام ببریم اما در کارنامه او افتخاراتی به مراتب بزرگ‌تر هم به چشم می‌خورد؛ افتخاراتی که به مراتب بزرگ‌تر و ارزنده‌تر از صعود بسکتبال ایران به المپیک پکن پس از ۳۰ سال است. آنچه که خود مشحون در مصاحبه‌اش با ما بر آن تأکید دارد، معلم بودن است. او می‌گوید جایگاه معلمی را از هر پست و مقام با عنوانی بیشتر دوست دارد و همواره به آن افتخار کرده است. مشحون که ۳۰ سال در مدارس گوناگون در نقش معلم ورزش فعالیت داشته و حالا رییس فدراسیون بسکتبال ایران است، چیزی حدود دو ساعت رودرروی ما می‌نشیند و از تجربه‌ها، خاطرات و البته دغدغه‌هایش در ورزش مدارس صحبت می‌کند. او که عمری را در خدمت

این معلم ۷۱ ساله - مشحون متولد سال ۱۳۲۰ است - که از «دبیرستان‌های دارالفنون، مروی و مدارس شهری» به تیم ملی بسکتبال ایران رسید و پله‌های ترقی را یکی یکی طی کرد، جالب و آموزنده است. او می‌تواند الگو و نمونه‌ای برای معلمان ورزش باشد که از تدریس در یک مدرسه تا ریاست فدراسیون و نایب ریسی کنفدراسیون بسکتبال آسیا پیش رفته است.

■ اگر اجازه بدهید، گفت‌وگو را با موضوع جالبی شروع کنیم و برگردیم به سال‌های نه چندان دور؛ دوره ۸۱ سال که شما به فدراسیون بسکتبال بازگشتید. با آموزش و پرورش تفاهم‌نامه‌ای امضا شد که طبق آن قرار بود مدارس کشور در زمینه بسکتبال استعدادیابی کنند و معلمان ورزش اگر با دانش‌آموزی مواجه شدند که به لحاظ فیزیکی و حتی تکنیکی خمیر مایه بسکتبالیست شدن را داشت او را به فدراسیون شما معرفی کنند. می‌خواستیم بدانیم این تفاهم‌نامه به کجا رسید و چه قدر از موفقیت‌های اخیر بسکتبال ایران - که بعد از ۳۰ سال به المپیک پکن رسیده نتیجه این تفاهم‌نامه بوده است؟

□ روزی که این افتخار نصیب بنده و همکارانم شد که در فدراسیون بسکتبال خدمت کنیم، به همراه مرحوم مهندس ادب - که خدا بیامرزد ایشان را - رفتیم خدمت آقای دکتر نصرالله سجادی که معاون تربیت بدنی آموزش و پرورش بود. همراه ما اعضای هیئت ریسی فدراسیون بسکتبال همگی حضور داشتند. خوش‌بختانه در این جلسه مشترک تعدادی از یاران قدیم من در فوتبال مثل مرحوم داود حیدری و آقای نوریان هم حضور داشتند. در این جلسه ما به دوستان اعلام کردیم که فدراسیون بسکتبال زیرمجموعه شماس است. هرنوع انتظاری از فدراسیون بسکتبال دارید، بفرمایید. ما در خدمت شما هستیم تا همگی یاری کنیم و با کمک هم گم‌شده بسکتبال را در مدارس پیدا کنیم.

چند سال گذشت ما با استان تهران وارد مذاکره شدیم

و با مدیر وقت جلسه گذاشتیم و از آنها درخواست کردیم یاری کنند تا بسکتبال آموزشگاه را به حرکت در بیاوریم. در این راه آمادگی کامل خود را اعلام کردیم. حتی چند جلسه پشت سرهم تشکیل شد و به صورت مفصل به بحث و تبادل نظر پرداختیم. قول و قرار گذاشتیم که چند منطقه را فعال کنند و ما امکانات و مربی در اختیار آنها قرار دهیم. تنها انتظار ما این بود که چراغ سالن را روشن کنند و پول آب و برق آن را بپردازند؛ بقیه کارها با ما.

درباره همه این مسائل صحبت کردیم تا رسیدیم به این دوره که آقای کیومرث هاشمی معاون ورزش و تربیت بدنی آموزش و پرورش شد. از آنجا که بنده از زمان حضور در سازمان تربیت بدنی ارتباط خیلی خوب و دوستانه‌ای با ایشان داشتم؛ دوباره اعضای هیئت ریسی فدراسیون بسکتبال خدمت ایشان رفتیم. همان حرف‌های گذشته را زدیم و درخواست کردیم که فدراسیون بسکتبال را زیر مجموعه خودشان بدانند. از ایشان خواستیم که فقط یک منطقه آموزش و پرورش حتی جنوبی‌ترین منطقه را در اختیار فدراسیون بسکتبال بگذارند تا ما برویم آنجا را تجهیز کنیم و امکانات و مربی برایش در نظر بگیریم و کار بسکتبال را به صورت نمادین از آن منطقه شروع کنیم. اگر نتیجه کار مثبت بود، این رویه در مناطق دیگر هم اجرا شود تا بتوانیم بسکتبال را در آموزش و پرورش فراگیر کنیم.

آنها هم خیلی استقبال کردند ما همیشه آماده بوده‌ایم و هیچ انتظاری نداشته‌ایم. وظیفه ما خدمت به جوانان و بچه‌های این مرز و بوم است. این مسئولیت به ما سپرده شده است تا به نوجوان‌ها و جوان‌ها، یعنی دانش‌آموزان، خدمت کنیم باید ساختار ورزش کشور را تغییر دهیم تا مثل تمام دنیا ورزش از آموزشگاه‌ها به دانشگاه‌ها برسد و به قهرمانی ختم شود.

■ آموزش و پرورش چقدر در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای نقش دارد؟ به اعتقاد شما، ورزش باید از طریق مدارس

آموزش و پرورش
مهم‌ترین ارگان در
تمام رشته‌های ورزشی
کشور است

هدایت شود یا باشگاه‌ها باید نقش اصلی را داشته باشند؟ مثلاً در فوتبال، باشگاه‌ها فعال هستند و مدارس نقش چندانی در پرورش فوتبالیست‌ها ندارند اما در بسکتبال و والیبال و بسیاری از رشته‌های دیگر ورزش مدارس توانسته است، اقدامات خوبی انجام دهد. نظر شما در این زمینه آیا رشته‌های دیگر ورزش مدارس توانسته است، اقدامات خوبی انجام دهد. نظر شما در این زمینه چیست؟ آیا ما با این همه مدرسه و با این جمعیت کثیر معلمان ورزش، آیا نباید ورزش مدارس را تقویت کنیم؟

افخار من این است که ۳۰ سال در آموزش و پرورش به عنوان معلم ورزش خدمت کردم و شش سال و با کسب اجازه از دولت، در «سازمان تربیت بدنی» فعالیت داشتم. به همین دلیل ورزش آموزشگاه‌ها را خوب می‌شناسم. بنده معتقدم ورزش مملکت زمانی به رشد و تعالی می‌رسد که ورزش مدارس و آموزشگاه‌ها به جایگاه واقعی خودش برسد. تمام موفقیت‌های ورزشی ما ریشه در آموزش و پرورش دارند. نه تنها بسکتبال و والیبال که خاص آموزشگاه هستند و خاستگاه آنها مدارس است، سایر رشته‌ها هم در آموزش و پرورش جایگاه ویژه‌ای دارند. اگر آموزش و پرورش خواسته‌ها و نیازهای جامعه ورزش را بررسی و اجرا کند، بار سنگینی از دوش فدراسیون برداشته می‌شود. آموزش و پرورش می‌تواند بسیاری از رشته‌های ورزشی را با مهندسی کامل پایه‌گذاری کند و سپس به فدراسیون‌ها تحویل دهد. متأسفانه ما چنین نگاهی را نداریم. پس از اینکه آقای کیومرث هاشمی به عنوان معاون ورزش و تربیت بدنی مدارس انتخاب شد، در بسیاری از رشته‌ها فعال شدیم و اقدامات خوبی انجام گرفت. ما که بخشی از جامعه ورزش هستیم از ایشان و سایر همکاران ورزش آموزش و پرورش سپاسگزاریم. گرچه همه رشته‌های ورزشی اهمیت دارند، ولی ما انتظار داریم که انجمن بسکتبال را فعال کنند. بنده تا به حال چند بار از مسئولان آموزش و پرورش خواهش کردم که این انجمن را به اتفاق هم سروسامان بدهیم. حتی با هم تفاهم‌نامه امضا کردیم تا از یکدیگر حمایت کنیم.

■ حال اگر از سطح کلان پایین‌تر بباییم و به نقش معلمان ورزش بپردازیم، چه صحبتی با آنها دارید؟ در کشور ما این همه مدرسه و تعداد فراوانی معلم ورزش زحمتکش وجود دارد. نقش این معلمان را در این راه تا چه میزان مهم و برجسته می‌دانید؟

آموزش و پرورش مهم‌ترین ارگان در تمام رشته‌های ورزشی کشور است. شما اشاره کردید که فوتبال توسط باشگاه‌ها اداره می‌شود. بیا بید برگردیم به آن زمانی که خود من افتخار پوشیدن پیراهن تیم ملی را داشتم. بنده ناظم مدرسه بودم و بقیه هم‌بازیان من در تیم ملی، همگی محصل و شاگرد مدرسه بودند. بعد از ظهر و بعد از تعطیلی مدرسه، همگی ساک‌های ورزشی را روی کول خود می‌انداختیم و در زمین بسکتبال مدرسه تمرین را شروع می‌کردیم. نه فقط در مدرسه ما که در تمام مدارس معلمان ورزش همین کار را انجام می‌دادند. در آن زمان نقش معلمان ورزش در شکل گرفتن قهرمانان، برجسته و مهم بود. صبح روز بعد دوباره من ناظم مدرسه بودم و دانش‌آموزان به سرکلاس می‌رفتند و شاگرد مدرسه می‌شدند. این روش هر روز ما و تمام معلمان ورزش بود که در نتیجه به موفقیت ورزش کشور می‌انجامید. همین دانش‌آموزان در آینده قهرمانان ملی می‌شدند و در رشته‌های گوناگون ورزشی افتخارات بین‌المللی کسب می‌کردند. در واقع معلمان ورزش و مدارس عامل اصلی و پایه شکل گرفتن این قهرمانان و به دست آمدن افتخارات بین‌المللی بودند.

■ زمان شما مدارس از نظر محیط، فضا و امکانات ورزشی چه شرایطی داشتند؟

بعضی از مدارس امکانات خوبی داشتند؛ مثل مروی، دارالفنون یا شرف. یاد آقای نیکپور به خیر که در «مدرسه رهنما» به هر درخت کاج، دو حلقه بسکتبال نصب کرده بود؛ یکی این طرف و یکی آن طرف روی درخت‌های بلند که البته هنوز هم به یادگار هست. تمام دیوارهای مدرسه رهنما ردیف به ردیف پر بود از حلقه‌های بسکتبال. در نتیجه از همین مدرسه کسانی مثل خلخالی و کاشانی به تیم ملی بسکتبال رسیدند.

در آن زمان شرایط مدارس ما به هیچ وجه قابل مقایسه با امروز نبود، چرا که امروزه در مدارس امکانات به مراتب خوب و جدیدی مهیا شده است.

■ فضای مدرسه و حیاط آن چه قدر در انجام کارهایی که اشاره کردید مؤثر است؟

اشاره خیلی جالبی کردید. درد ورزش آموزشگاه‌ها در دوره فعلی همین نکته است. در گذشته مدارس ما داشتیم مثل هدف، خوارزمی و ... که همگی بجز حیاط، دارای

هر کسی دست اندرکار ورزش بود، توسط سازمان تربیت بدنی آن زمان به جلسه‌ای دعوت شدند. من در آن جلسه حرفی زدم که بعد با مؤاخذه شدید مواجه شدم. حتماً قدیمی‌ترها به خاطر دارند که در آن دوران تغذیه رایگان در مدارس باب شده بود. از آنجا که من در مدرسه‌ای در شهری، مدرسه هدف و جاهای دیگر کار می‌کردم، می‌دیدم که در بالای شهرکیک، موز، شیر و یا سیب و پرتغال به بچه‌ها می‌دهند، ولی در پایین شهر به جای اینها، نان بربری، شکرپنیر، حلواورده و خرما برای بچه‌ها می‌آوردند.

آن زمان هفت میلیون دانش‌آموز داشتیم. در واقع روزانه ۱۲ اریال سرانه تغذیه هر دانش‌آموز می‌شد. حالا این را ضرب در هفت میلیون دانش‌آموز بکنید، چیزی حدود هشت میلیون و ۴۰۰ هزار تومان در روز می‌شود. اگر این عدد را در ۲۰۰، یعنی تعداد روزهای مفید سال ضرب کنیم، چیزی در حدود یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان می‌شود. آن زمان بهترین خانه در شمال تهران با ۷۰-۶۰ هزار تومان خریداری می‌شد. حالا ببینید چه پول کلانی صرف تغذیه رایگان می‌شد.

زمین ورزش بودندیا از سالن‌های نزدیک به مدرسه استفاده می‌کردند. ماشین از جلوی مدرسه بچه‌ها را سوار می‌کرد و به سالن می‌برد و دوباره به محل مدرسه بازمی‌گرداند. البته این موضوع فراگیر نبود. اتفاقاً چندی قبل در هتل المپیک جلسه‌ای بود که آقای وزیر هم حضور داشت. بحث جلسه این بود که چگونه برای مدارس سالن ورزشی ساخته شود. بنده در آن جلسه به آقای وزیر پیشنهاد کردم که پول سالن را به خود مدرسه اختصاص دهید و فضای مدرسه را بزرگ‌تر کنید. به عبارت دیگر، پولی را که قرار است صرف ساخت سالن کنید، صرف ساخت یک مدرسه بزرگ کنید. مثلاً فضای مدرسه ۱۵۰ متری را به دوهزار متر افزایش دهید. چرا؟ چون اگر دانش‌آموز در حیاط و محیط مدرسه ورزش کند و استعداد خود را شکوفا سازد، در نهایت به سالن‌های ورزش هم خواهد رسید.

در آن جلسه عرض کردم: در یک سالن چند دانش‌آموز در روز می‌توانند ورزش کنند؟ در هر زنگ فقط یک کلاس می‌تواند از سالن مجاور مدرسه استفاده کند اما اگر مدرسه حیاط بزرگی داشته باشد، همه بچه‌ها فرصت استفاده از آن را دارند. حتی زنگ تفریح هم بچه‌ها فضای تحرک، بازی و ورزش دارند. به هیچ وجه بنده قصد ندارم نیمه خالی لیوان را ببینم. من آموزش و پرورش هستم و اگر نظری می‌دهم، مشکلات و مصائب ورزش مدارس را با تمام وجود لمس کرده‌ام. به همین دلیل معتقدم که بزرگان مملکت باید به کمک آموزش و پرورش بیایند و دست به دست هم بدهند تا نیمه خالی را هم پر کنیم.

■ این جمله آخر شما نشان می‌دهد که باید به موضوع ورزش آموزش و پرورش نگاه ملی و کلان وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، به یک نگاه کلان و حاکمیتی در این خصوص نیازمند هستیم که همه بخش‌ها را بسیج کند تا به استانداردها نزدیک شویم. خود آموزش و پرورش به تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد.

□ شک نکنید که همین‌طور است. بگذارید خاطره‌ای برای شما تعریف کنم که به قبل از انقلاب اسلامی برمی‌گردد. یک روز مسئولان، مدیران کل و

افتخار من این است
که ۳۰ سال در
آموزش و پرورش به
عنوان معلم ورزش
خدمت کردم

دولت مردان بلند پایه باید به کمک آموزش و پرورش بیایند و دوستان ما را یاری کنند تا به خواسته‌های ورزشی برسیم و به سازندگی کمک کنیم

بیش از پیش بچه‌ها بی‌تحرک شوند. یعنی جدا از بحث استعدادیابی و قهرمان‌پروری، موضوع سلامت عمومی و تندرستی دانش‌آموزان برای ما اهمیت دارد.

☐ نمونه خودم را مثال بزنم که به جای ورزش پای رایانه نشسته است و بازی می‌کند. تحرکی ندارد و این نگران‌کننده است. بنده معتقدم که آموزش و پرورش به حمایت کلی و اصولی نیاز دارد. شما می‌دانید که چه بودجه عظیمی به آموزش و پرورش اختصاص پیدا می‌کند. حالا چه اشکالی دارد که بیاییم از افرادی که مملکت و بچه‌های کشور را دوست دارند کانونی تشکیل بدهیم که بهینه‌سازی ورزش مدارس و آسیب‌ها و مشکلات را پی‌گیری کند؟ افراد خیر و نیکوکار فراوانی در کشور داریم که با دل پاک به کار مدرسه‌سازی مشغول هستند. از آنها کمک بگیریم. حتی می‌توانیم بخش کوچکی از حقوق تمام ملت را به این موضوع اختصاص بدهیم. مگر غیر از این است که بچه‌های همین ملت می‌خواهند از این مدارس و امکانات استفاده کنند؟ مگر هدف ما ایجاد سلامتی و تندرستی برای بچه‌های همین مردم خوب نیست؟

می‌دانید اگر ۱۰۰ تومانی از هر فرد گرفته شود، چه پولی می‌شود؟ ما حدود ۵۰ میلیون جمعیت فعال و شاغل داریم. هرماه چنین پولی اگر پرداخت شود، بسیاری از مشکلات حل می‌شوند. مردم اگر ببینند که واقعا این پول در مدارس به درستی هزینه می‌شود، با اشتیاق و ذوق و شوق آن را می‌پردازند.

با این کار دیگر احتیاجی به کمک گرفتن از افراد خیر هم نیست. دولت با یک نگاه کلان می‌تواند بخش کوچکی از درآمدهای بنزین، دخانیات و ... را برای ورزش آموزش و پرورش کنار بگذارد. با این پول‌ها می‌توان کارهای بزرگی انجام داد. من اطلاعی ندارم که از کجا می‌توان بودجه این کار را تأمین کرد اما تردید ندارم که اگر به این موضوع نگاه کلان و حاکمیتی وجود داشته باشد، به سادگی تمام مشکلات قابل حل و فصل هستند.

■ خیلی ممنون از توضیحات و راهکارهای جالبی که ارائه کردید. تردیدی وجود ندارد که شما به عنوان معلم و استاد، از سر دلسوزی و حسن نیت این مسائل را مطرح می‌کنید. حال می‌خواهیم موضوع بحث را تغییر بدهیم و به دغدغه‌های اشاره کنیم که سال‌ها در ورزش مدارس وجود داشته و دارد. به نظر شما آیا ورزش هم مثل درس‌های

پیشنهاد بنده به وزیر وقت و مسئولان جلسه این بود که شما بیایید با این رقم سالانه یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان، در هر منطقه یک مدرسه ۱۵۰ متری را به مدرسه سه هزار متری تبدیل کنید. خانه‌های اطراف

مدرسه را بخرید و فضای ورزشی را افزایش دهید. این شکرپنیر، حلواارده و نان بربری تأثیری در رشد و تعالی بچه‌ها نخواهد داشت اما فضای ورزشی مناسب می‌تواند از جنبه‌های متفاوت باعث سلامتی شود.

با گفتن این خاطره طولانی می‌خواستم به اینجا برسم که الان هم نه وزیر آموزش و پرورش به تنهایی می‌تواند کاری انجام دهد و نه آقای کیومرث هاشمی به عنوان معاون تربیت بدنی وزارتخانه. بلکه دولت‌مردان بلند پایه باید به کمک آموزش و پرورش بیایند و دوستان ما را یاری کنند تا به خواسته‌های ورزشی برسیم و به سازندگی کمک کنیم.

■ شما علاوه بر تجربیات که در آموزش و پرورش داشته‌اید، رییس یکی از فدراسیون‌های ورزشی کشور هم بوده‌اید. در دنیا ورزش تا چه میزان به آموزش و پرورش متکی است و این بخش چه سهمی از موفقیت‌های ورزش را برعهده دارد؟ حتماً شما در جریان وضعیت ورزشی کشورهای موفق قرار دارید.

☐ در تمام دنیا، هر کشور به چهار بخش موفق نیاز دارد تا از هر نظر تکمیل باشد و به رشد و تعالی برسد: وزارتخانه‌های بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، ارتش و در آخر امنیت کلی کشور. اینها چهار بازوی اصلی موفقیت کشور هستند. وقتی سرانۀ ورزشی هر دانش‌آموز به اندازه یک توپ پینگ‌پونگ باشد، چه انتظاری می‌توانیم از ورزش مدارس داشته باشیم.

■ پس شما معتقدید که نهادهای مهم تصمیم‌گیرنده و تصمیم‌ساز باید تدبیری اساسی بیندیشند و به آموزش و پرورش یاری برسانند؟

☐ آموزش و پرورش به حمایت همه جانبه نیاز دارد. من حرف‌های عجیب و غریبی نمی‌زنم. درخواستم این است که مسئولان به این وزارتخانه مهم، تأثیر گذار و آینده ساز، در تمام بخش‌ها و نه فقط ورزش توجه بیشتر و بایسته‌تری داشته باشند.

■ حالا با شرایط موجود چه پیشنهادی دارید؟ به هر حال این نگرانی برای نسل جدید هست. شهرها که امکانات لازم را برای تحرک بچه‌ها ندارند و خطرات فراوانی وجود دارد. فناوری و بازی‌های رایانه‌ای هم باعث شده است تا

ریاضی، فیزیک، شیمی و ادبیات به کتاب درسی نیاز دارد تا تمام معلمان کشور طبق یک برنامه و با وحدت رویه پیش بروند و موضوع ورزش مدارس کشور علمی تر شود؟

■ شما با این پرسش درد بنده را تازه کردید؛ الان واقعاً متأثر شدم (اشک در چشمان محمود مشحون حلقه می‌زند و چشم‌های او خیس می‌شود). این بزرگ‌ترین مشکلی است که در ورزش مدارس داریم. وقتی من معلم ورزش بودم، ما جلساتی داشتیم که به صورت گروه‌های متفاوت در آن شرکت می‌کردیم. استاد نعمتی لیدر یک گروه بود و استاد سکاکی که بحمدالله در قید حیات است، مسئول گروه دیگری مرحوم میرفخرایی هم اسپانسر «گروه راد» بود. ما معلمان ماهی یک‌بار در جلسه‌ای شرکت می‌کردیم تا در مورد کمبودها و مسائل روز ورزش مدارس صحبت کنیم.

بارها در آن جلسه شاهد بودم که این بزرگواران و معلمان اعتراض داشتند که چرا در فهرست حضور غیاب مدارس، اسم ما معلمان ورزش در ردیف آخر نوشته می‌شود. آیا جایگاه معلم ورزش در انتهای فهرست و بعد از تمام معلمان است؟ اهالی آموزشی و پرورش حرف مرا خوب درک می‌کنند، چون می‌دانند که در مدارس دفتر حضور و غیابی برای معلمان وجود دارد که به ترتیب از مدیر، ناظم و معلمان فیزیک، شیمی، ادبیات و ریاضی شروع می‌شد تا آخر که به معلم ورزش می‌رسید! ناراحتی معلمان ورزش این بود که چرا نام آنها بعد از معلم کاردستی، معلم خط و معلم حرفه‌وفن در انتهای فهرست قرار می‌گیرد؟

چه کسی و چه چیزی باعث می‌شود که نام من در انتهای فهرست قرار بگیرد؟ کسی مقصر نیست جز خودم! وقتی من کت و شلوار می‌پوشم، می‌ایستم و یک توپ پرت می‌کنم بین ۳۰-۴۰ دانش‌آموز و می‌گویم خودتان بازی کنید. بعد به اتاق معلمان می‌روم، پایم را روی پایم می‌اندازم و چای می‌خورم، فکر می‌جای دیگری است و برنامه‌ای برای ورزش دانش‌آموزان ندارم، در آخر سال هم نمره‌ها را از بالای فهرست تا پایین ۱۹، ۱۸، ۱۷، تعیین می‌کنم و خداحافظ، جایگاه بهتری پیدا نمی‌کنم.

■ علت این اتفاق از نظر شما چیست و چرا باید چنین شرایطی به وجود بیاید؟

■ در گذشته و پیش از انقلاب رشد علمی معلمان ورزش را محدود کرده بودند. معلمان ورزش نمی‌توانستند وارد

دانشگاه شوند. در مقطع دیپلم تحصیل آنها قطع می‌شد و وارد کار می‌شدند؛ مگر اینکه می‌رفتند در رشته دیگری درس می‌خواندند و لیسانس می‌گرفتند. مثلاً در رشته فیزیک به دانشگاه می‌رفتند. این یکی از مشکلات بود.

از طرف دیگر، ما خودمان عامل اصلی این اتفاق بودیم. در همان جلسات به دوستان معلم گفتم که از ماست که برماست. این خود ما هستیم که جایگاهمان را در انتهای فهرست تعیین می‌کنیم نه رییس و دفتردار مدرسه.

تعدادی از دوستان و همکاران اعتراض کردند و گفتند که چرا این حرف‌ها را می‌زنی؟! در پاسخ به دوستان گفتم این بچه‌ها که الان شاگرد ما هستند، در آینده رییس دانشگاه، استنادار، پزشک، مهندس، فرمانده می‌شوند و در یک کلام آینده مملکت را تشکیل می‌دهند. من به این بچه‌ها چه می‌آموزم؟ اینکه با لباس رسمی کناری بایستم، یک توپ پلاستیکی بیندازم وسط و مدام به ساعت نگاه کنم که چه زمانی زنگ زده می‌شود تا بروم پی کارم، این یعنی خودم برای کارم ارزش قائل نیستم و می‌خواهم جایگاهم در انتهای فهرست باشد اما اگر با لباس ورزش به حیاط برویم و خیلی جدی بچه‌ها را آموزش بدهیم و به قول شما، کتاب در دست بگیریم و مسائل علمی ورزش را برایشان شرح دهیم، جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کنیم.

■ پس معتقدید که ورزش هم کتاب می‌خواهد؟

■ بله، صددرصد! سؤال من این است که چه معیاری برای نمره ورزش وجود دارد؟ به چه دانش‌آموزی باید نمره ۲۰ داد و به چه دانش‌آموزی نمره ۱۰ چرا ورزش کتاب ندارد؟ مگر ورزش نوعی علم نیست؟ چرا باید معیار نمره ورزش رفتار و کردار بچه‌ها باشد، نه میزان دانش، علم و تسلط آنها بر یک رشته ورزشی؟ متأسفانه این گونه در مدارس باب شده که نمره ورزش صرفاً برای بالا بردن معدل است.

از همه بدتر اینکه انتظار والدین هم همین است. اگر دانش‌آموزی در درس ریاضی نمره پایینی بگیرد، خانواده‌اش به فکر تقویت او می‌افتند اما همیشه توقع دارند که نمره ورزش ۱۹ و ۲۰ باشد. اگر من به عنوان معلم به دانش‌آموزی که

واقعاً تنبلی می‌کند، نمره ۱۲ بدهم و بعد والدین او به من مراجعه کنند و بگویند که برچه اساسی

نمره ورزش فرزندمان ۱۲ شده است، واقعاً چه جوابی دارم؟ چه‌طور باید آنها را قانع کنم که فرزند شما در این درس

ورزش هم کتاب می‌خواهد و هم نیازمند وحدت رویه و روش تدریس است. در تمام مدارس کشور باید این موضوع رعایت شود

من ورزش مدارس را به یک هزار پا تشبیه می‌کنم. برای اینکه هزار پا حرکت کند، باید تمام پاهایش به حرکت در بیایند. یکی از پاهای آموزش و پرورش است

معلم ورزش باید دانش‌آموزان را به ورزشگاه بیاورد؟ چرا وقتی تیم ملی فوتبال ایران بازی دارد، ورزشگاه آزادی خالی از تماشاگر است؟ چرا نباید دانش‌آموزان به همراه معلم ورزش خود به ورزشگاه بیایند و بعد در کلاس ورزش در مورد بازی تیم ملی فوتبال، بسکتبال، والیبال بحث و تبادل نظر کنند؟ آیا اینها جزو وظایف معلمان ورزش است؟

□ روی نکات بسیار حساسی دست می‌گذارید و من پیرمرد را متأثر می‌کنید. از چهارم این موضوع را متوجه می‌شوید... من مملکت را دوست دارم و در مقام معلم، عاشق نسل جوان بوده‌ام و با آنها زندگی کرده‌ام. منزل ما در «دروس» شمیران واقع بود اما در شهری کار می‌کردم. آنجا در مدرسه به عنوان معلم ورزش درس می‌دادم. شما نمی‌دانید با چه اشتیاقی مسیر منزل تا مدرسه را می‌رفتم. من دغدغه‌های معلمان دلسوز را می‌دانم. الان از شما می‌پرسم معلم ورزش با چه بودجه و امکاناتی می‌تواند دانش‌آموزان را به ورزشگاه ببرد؟ با چه حمایتی معلم می‌تواند این کار را انجام دهد تا مثلاً بازی تیم ملی بسکتبال ایران و قطر را تماشا کنند؟ واقعاً چنین ابزاری کجاست؟ به همین دلیل است که می‌گویم آموزش و پرورش به حمایت گسترده نیاز دارد.

اما علی‌رغم تمام این مشکلات و مصائب، بنده چند راه به ذهنم می‌رسد که شاید تا حدودی موانع را برطرف کنند. بنده که در کار معلمی تجربه ۳۰ ساله دارم، معتقدم که اگر عشق و علاقه در معلمان وجود داشته باشد و آنها انگیزه ورزش را در شاگردان خود به وجود بیاورند، امکان این کار فراهم می‌شود. ما شاهد هستیم که در بازی‌های بسکتبال، نوجوانان و جوانان زیادی به ورزشگاه می‌آیند و اغلبشان هم دانش‌آموز هستند. بلیت تهیه می‌کنند و زحمت می‌کشند و هزینه ایاب و ذهاب را از جیب خودشان می‌پردازند. اگر معلم ورزش اشتیاق و علاقه را در شاگردانش به وجود بیاورد، می‌تواند همین نوجوانان را که تک‌تک به ورزشگاه می‌آیند، سازماندهی کند و به شکلی مطلوب به صورت دسته جمعی به تماشای یک بازی بسکتبال یا والیبال بیاورد. این به عشق و علاقه و جدیت معلم احتیاج دارد.

من معتقدم که با همین اقدامات می‌توان زمینه رشد و ترقی ورزش مدارس را فراهم آورد. اگر بچه‌ها به همراه دبیر خود یک مسابقه را تماشا کنند، هفته بعد در کلاس می‌توانند در مورد بازی نظر بدهند و در نهایت هم معلم ورزش با جمع‌بندی و آنالیز بازی، فضای لازم برای تعلیم و تعلم را فراهم کند. اینجاست که باز هم وجود کتاب درسی بیش از

ضعیف است؟ متر و معیاری برای نمره دادن وجود ندارد و نمی‌توان به خانواده‌ها گفت که فرزند شما به ورزش علاقه ندارد یا کم تحرک است؛ پس باید کتاب و برنامه اساسی برای ورزش وجود داشته باشد.

■ خود شما وقتی دبیر ورزش بودید، بر چه اساسی به دانش‌آموزان نمره می‌دادید؟ آیا شما هم برای بالا رفتن معدل نمره می‌دادید؟

□ اصلاً و ابداً! شاید خوب نباشد که این جمله را به کار ببرم اما چون شما سؤال کردید می‌گویم که حتی من دانش‌آموزانی داشتم که در درس ورزش تجدید شدند و نمره زیر ۱۰ به آنها دادم. الگوی من آقای اصغر لیاقتی بود که دانش‌آموزان خود را به ورزشگاه امجدیه - شهید شیروودی فعلی - می‌آورد. دفتر سرایدار ورزشگاه، دفتر کار آقای لیاقتی هم بود. بسیار منظم بود و دفتر و برنامه مشخصی داشت. امکان نداشت به یک نفر نمره اضافه بدهد.

نمره‌های ۱۱،۷،۵،۳،۲ نمره‌هایی بودند که آقای لیاقتی به بچه‌های بی تفاوت نسبت به ورزش می‌داد. من همین کار را حتی در مدارس بالای شهر و پولدار پیاده کرده بودم. ابایی هم نداشتم و تا آخر، پای اعتقاد می‌ایستادم اما با من، اصغر لیاقتی و چند نفر که هم قسم شده بودیم تا برای ورزش جایگاه بالایی در مدارس ایجاد کنیم، کاری از پیش نمی‌رفت. به همین دلیل معتقدم ورزش هم کتاب می‌خواهد و هم نیازمند وحدت رویه و روش تدریس است. در تمام مدارس کشور باید این موضوع رعایت شود.

■ فرمایش شما درست است اما امکانات مدارس هم نقش بسیار مهمی دارد.

□ باز هم به نکته کلیدی و مهمی اشاره کردید. الان آقای کیومرث هاشمی به عنوان مسئول ورزش مدارس حتماً دوست دارد که در تمام رشته‌ها اقدامات خوبی انجام شود اما وقتی بودجه کافی در اختیار آموزش و پرورش قرار نمی‌گیرد، امکان تهیه یک توپ والیبال برای هر کلاس نیست و فضای مدارس هم کوچک است، حتی کاری از جناب آقای وزیر هم بر نمی‌آید. بنده معتقدم آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای کشور به حمایت مسئولان نیاز دارد. باید آهسته آهسته زیرساخت‌ها را پی‌ریزی کنیم و به جای اینکه دیوار کاه‌گلی را کاغذ دیواری کنیم تا ظاهر قشنگی پیدا کند، از ابتدا یک دیوار مستحکم و پایدار بسازیم که فرو نریزد.

■ در همین راستا موضوع دیگری به ذهنم رسید. شما که سابقه ۳۰ ساله در این کار دارید، آیا معتقدید که

پیش مهم جلوه می‌کند. اگر در کتاب درسی بازی بسکتبال و تاکتیک‌ها و قوانین آن توضیح داده شود، وقتی دانش‌آموز به صورت واقعی یک مسابقه را تماشا می‌کند، با تمام وجود موضوع را می‌فهمند؛ نه اینکه معلم در کلاس بدون کتاب فقط به این‌گونه جملات بسنده کند که دیدی مهدی کامرانی عجب پرتابی کرد؟! یا عجب خطایی داور اعلام کرد!

وقتی از دانش‌آموز خواسته می‌شود که تحلیل خود را از بازی بنویسد و در بحث‌ها مشارکت داشته باشد، حتماً صاحب اعتمادیه نفس گفتاری و عملی می‌شود و شخصیت تحقیقاتی و بزرگی پیدا می‌کند. این عمل‌سازنده‌ای است که معلم ورزش انجام می‌دهد و باعث و بانی رشد و تعالی نسل جوان می‌شود. البته باز هم تأکید می‌کنم به شرطی که بستر و امکانات برای معلمان فراهم شود. متأسفانه معلم ورزش که اتاقی برای پوشیدن لباس ورزش در مدرسه ندارد، یا فضای لازم برای ورزش دادن دانش‌آموزان در اختیارش نیست، قطعاً نمی‌تواند اقدامات بزرگ‌تری را تدارک ببیند و مجبور می‌شود که فقط به ساعت نگاه کند تا زمان بگذرد و کلاس تمام شود.

علما، دانشمندان و مفاخر ما همگی از دل آموزش و پرورش بیرون می‌آیند. آموزش و پرورش اگر مهمترین بخش کشور نباشد، یکی از مهم‌ترین بخش‌های کشور است که به حمایت، بودجه و برنامه‌های بزرگ و بزرگ‌تری نیاز دارد. هر چه در اینجا هزینه کنیم، هزارهزار بار فایده بیشتری می‌گیریم.

■ در شرایط فعلی وضعیت ورزش را در مدارس چه طور می‌بینید؟

□ من ورزش مدارس را به یک هزارپا تشبیه می‌کنم. برای اینکه هزارپا حرکت کند، باید تمام پاهایش به حرکت در بیایند. یکی از پاها آموزش و پرورش است، یکی ارتش و نیروهای مسلح است و یکی هم وزارت بهداشت و درمان. خلاصه کلام، تمام بخش‌های کشور باید در کنار آموزش و پرورش قرار بگیرند تا این حرکت عظیم انجام شود. در کشور این همه هزینه می‌شود و این همه دلسوزی وجود دارد، چرا برای آموزش و پرورش دلسوزی نمی‌شود؟ مگر غیر از این است که فرزند استنادار هم در آموزش و پرورش درس می‌خواند؟ مگر فرزندان وزیران یا نمایندگان مجلس در همین آموزش و پرورش مدرسه نمی‌روند؟ پس چرا آموزش و پرورش نباید مورد حمایت قرار بگیرد؟

■ اگر حرف پایانی دارید بفرمایید.

□ همه ما باید به سمتی حرکت کنیم که نیاز مملکت

برآورده شود. این همه استعداد و این همه دانش‌آموز باهوش را نباید به حال خودشان رها کنیم. کجا در گذشته این همه دانش‌آموز در المپیادهای بین‌المللی مدال می‌گرفتند و افتخار کسب می‌کردند؟ الان شاهد هستیم که فرزندان با استعداد و باهوش ایران زمین در ریاضی، فیزیک، شیمی، رباتیک و... مدال‌های طلای المپیادهای جهانی را درو می‌کنند. به اعتقاد من، همگام با این بچه‌ها، ورزشکاران جوان و نوجوان ما هم می‌توانند در دنیا افتخار و مدال کسب کنند؛ به شرط اینکه بستر و امکانات لازم برای آنها فراهم شود.

یکی از معضلات بزرگ ما که باید فکری اساسی به حال آن کرد، نبود معلم ورزش متخصص در دوره ابتدایی است. در تمام دنیا استادان خبره، با تجربه و کارکشته و دکترای تربیت بدنی در دبستان مشغول فعالیت هستند، چرا دبستان ما معلم ورزش حرفه‌ای و با دانش ندارد؟ اینجاست که به اعتقاد من باید زیربنای قوی احداث شود.

در چنین فضایی است که فدراسیون‌ها دست نیاز به سمت آموزش و پرورش دراز می‌کنند و از محصولات و استعدادهایی که معلمان ورزش ساخته‌اند، استفاده می‌کنند تا پرچم کشورمان در دنیا برافراشته شود. در واقع این معلمان هستند که می‌توانند کشور را بسازند.

■ خیلی ممنون از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

فعالیت‌های ورزشی و مدیریتی محمود مشحون

- * ۱۳۳۹: عضو تیم ملی بسکتبال ایران. وی به مدت ۱۰ سال پیران تیم ملی برتن داشت.
- * ۱۳۴۵: رئیس هیئت بسکتبال شهری.
- * ۱۳۴۶: دبیر هیئت بسکتبال آموزشگاه‌های تهران.
- * ۱۳۴۸: رئیس انجمن بسکتبال آموزشگاه‌ها.
- * ۱۳۵۴: دبیر فدراسیون هندبال و رئیس انجمن آموزشگاه‌های هندبال.
- * ۱۳۵۶: دبیر فدراسیون بسکتبال.
- * ۱۳۵۷: رئیس موقت شورای فدراسیون جمهوری اسلامی و عضو شورای عالی ورزش آموزشگاه‌های کشور.
- * ۱۳۵۸: رئیس انتخابی فدراسیون بسکتبال.
- * ۱۳۵۹: رئیس فدراسیون هندبال و عضو کمیته اجرایی کمیته ملی المپیک.
- * ۱۳۶۲: رئیس فدراسیون هندبال و عضو شورای برون مرزی سازمان ورزش.
- * ۱۳۶۸: رئیس فدراسیون بسکتبال و عضو کمیته طرح و برنامه سازمان تربیت بدنی.
- * ۱۳۷۲: نایب رئیس کنفدراسیون بسکتبال آسیا و قائم مقام حوزه معاونت فنی و امور اداری فدراسیون‌ها.
- * ۱۳۸۱: رئیس فدراسیون بسکتبال که تاکنون ادامه دارد.